

بررسی نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره دوم متوسطه در کلاسهای آموزش خانواده

حسن مظاهری^۱

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره دوم متوسطه در کلاسهای آموزش خانواده بوده است. حجم نمونه طبق جدول مورگان ۴۲۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تعیین شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ۵۰ سؤالی ۵ گزینه‌ای در ۵ خرده مقیاس مشکلات رفتاری، مسائل تربیتی و روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی، تربیت جنسی و ازدواج و مسائل بهداشتی و تغذیه‌ای استفاده شده است. این پژوهش غیرآزمایشی از نوع پیمایشی بوده که برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون نسبت و آزمون کلمرگروف اسمیرنوف) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داده است که میان نیازهای آموزشی والدین تفاوت معنادار وجود دارد. نیازهای اعلام شده به ترتیب رتبه و اولویت مسائل تربیتی و روان‌شناسی (بالاترین رتبه)، مسائل مربوط به مشکلات رفتاری، مسائل تحصیلی و شغلی، مسائل مربوط به تربیت جنسی و ازدواج و مسائل مرتبط با بهداشت جسمی و تغذیه‌ای فرزندان (پایین‌ترین رتبه) هستند. این ترتیب اولویت آموزشی حاکی از نیازهای آموزشی منحصر به فرد والدین در مناطق آموزشی مختلف است چرا که مرتبه نیازهای فوق در بعضی موارد با نتایج دیگر مطالعات همخوانی داشته و در بسیاری موارد نیز با نیازهای آموزشی والدین دیگر مناطق آموزشی متفاوت است. چنانکه در پژوهشهای مختلف از جمله دلایل اساسی عدم استقبال والدین از کلاسهای آموزش خانواده، منطبق نبودن مطالب ارائه شده در کلاسها با نیازهای واقعی آموزشی آنها، عنوان شده است پیشنهاد می‌گردد محتوای آموزشی این کلاسها بر اساس نیازهای زمان حال و واقعی والدین که مبتنی بر نیازسنجی آموزشی از آنها به‌دست می‌آید، اولویت بندی و تنظیم گردد تا در حل مشکلات ایشان راهگشا باشد. چرا که رفع این مشکلات به نوعی تسهیل کننده فرآیند تربیتی دانش آموزان و در نهایت توسعه و رشد جامعه خواهد بود.

کلید واژگان: نیازسنجی آموزشی، آموزش خانواده، انجمن اولیا و مربیان

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۳

۱. معاون دفتر تالیف کتابهای درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری و دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی

Mazaherih@hotmail.com

مقدمه

تعلیم و تربیت، فراهم کردن شرایط مناسب و مساعد برای تربیت فرزندان و شکوفایی فطرت آنهاست و به این اعتبار خانه، مدرسه و جامعه زمینه‌ساز این رسالت خطیر هستند. هر یک از این سه مؤلفه اساسی نه تنها سهمی در انجام این مسئولیت سرنوشت‌ساز دارند، بلکه مشارکت و هم‌راستایی آن سه در این زمینه ضروری است.

خانواده به عنوان نخستین واحد اجتماعی، همواره وظایف و کارکردهایی متفاوت بر عهده دارد. خانواده پایگاه انسجام بخشی تربیت فرزندان است. نهاد خانواده رابطه‌ای تنگاتنگ با جامعه و سایر نهادهای اجتماعی دارد، به طوری که تغییرات و تحولات در جامعه منوط است به زمینه‌سازی و پی‌ریزی عوامل تغییر در خانواده و به عکس. پاتنام خانواده را یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی می‌داند که متولی امر جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت افراد است (پاتنام، ۲۰۰۶؛ به نقل از توسلی، ۱۳۸۴: ۶). نتایج تحقیقات پیشین حاکی از آن است که پرورش و تکامل کودک در درجه اول با محیط خانوادگی و محل زندگی او رابطه دارد. به عبارتی خانواده در دو مرحله قابل توجه، در تربیت فرزندان نقش اساسی ایفا می‌نماید:

الف) تربیت در دوران نوزادی و کودکی پیش از ورود فرزندان به مدرسه و محیط آموزش رسمی است که خانواده-محور و متولی اصلی تربیت است. امجدیان (۱۳۸۴) درباره اهمیت نقش خانواده می‌گوید: سنگ بنا و خشت اول تربیت در خانواده نهاده می‌شود و شکل‌گیری شخصیت هر انسان متأثر از عوامل قبل و پس از تولد است. موسی زاده (۱۳۸۰) نیز خانواده را بستری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌داند. با وجود این می‌توان گفت نحوه برخورد و عملکرد خانواده در تربیت فرزندان پیش از ورود به مدرسه، در میزان موفقیت نهاد تربیت رسمی، تاثیر بسزائی دارد.

ب) مرحله دیگر نقش خانواده در تربیت رسمی (مدرسه) فرزندان است که مدرسه نقش محوری تربیت را به عهده دارد. در این مرحله تعامل و مشارکت خانواده به‌ویژه در دوره نخست تربیت رسمی با مدرسه الزامی است. یونسکو در این زمینه توصیه می‌کند «باید راهبردهایی به وجود آورد تا بتوان خانواده‌ها را در امر آموزش فرزندان خود مشارکت داد» (انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷). نتیجه پژوهش گیتارد^۱ (۱۹۷۵) بیان می‌کند «هرگاه والدین مشارکت خود را در مدرسه افزایش می‌دهند دانش آموزان هم موفقیت تحصیلی بیشتری از خود نشان می‌دهند»

(گیتارد، ۱۹۷۵؛ به نقل از صادقی و حمیدی، ۱۳۸۴: ۷۹). اپستاین و دابر^۱ (۱۹۹۱) نیز به این نتیجه اشاره دارند که دانش آموزان وقتی نتایج بهتری به دست می آورند که والدین و آموزگاران انتظارات یکدیگر را درک کنند و در زمینه عادات درس خوانی کودک، این دو در کنشهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی او با یکدیگر پیوسته در تماس باشند (ردینگ، ۱۳۸۰: ۱۹). پنی و رایت^۲ در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که با تشویق مشارکت والدین در رشد فکری کودکان از طریق مدرسه، توان یادگیری دانش آموزان افزایش می یابد (پنی و رایت، ۱۹۹۴؛ به نقل از والبرگ و پیک، ۱۹۹۷). پس دو نهاد خانواده و مدرسه با مشارکت همدیگر و در کنار هم رسالت تربیت و به کمال رساندن فرزندان را به عهده دارند. هر یک از این نهادها بر اساس اقتضائات و شرایط فرهنگی جامعه، وظایفی دارند و در بسیاری موارد نیز مکمل یکدیگرند. اگر نظامهای آموزشی بتوانند میان تربیت به معنای واقعی در خانه و مدرسه هماهنگی به وجود آورند، خواهند توانست جامعه را به سوی سلامت، آرامش و رشد مناسب تری پیش ببرند. مشارکت و همدلی این دو نهاد برای تربیت صحیح فرزندان، در طول سالیان گذشته احساس شده و آموزش خانواده به منزله یکی از راههای دستیابی به این هدف مهم، در برنامه کاری نظامهای آموزشی قرار گرفته است.

انجام دادن بهینه وظایف و رسالت مشارکت خانواده در تربیت فرزندان، مستلزم آگاه سازی و آموزش اولیا و همفکر و هماهنگ شدن خانواده و مدرسه است. فرهادی (۱۳۸۳)، حسینی حیدری و همکاران (۱۳۸۵)، بختیاری و پیرزاد (۱۳۹۰)، مزاروس و همکاران (۲۰۰۲)، کریستین سون و کونولی^۳ (۲۰۱۰) بر ضرورت آموزش خانواده ها تاکید دارند (به نقل از بختیاری و پیرزاد، ۱۳۹۰). این پژوهشگران اذعان نموده اند که دوره های آموزش خانواده سبب افزایش آگاهی و دانش اولیای شرکت کننده نسبت به روشهای تربیتی دینی و شناخت نیازهای جسمی و عاطفی - روانی نوجوانان و افزایش هماهنگی روشهای تربیتی خانه و مدرسه و تقویت ارتباط اولیا و مربیان خواهد شد. برنامه های آموزشی ارائه شده به مادران، کیفیت انگیزش شناختی آنها را بهبود می بخشد و بر رفتار و عملکرد مناسب آنها با فرزندانشان و برنامه ریزی در زمینه امور تحصیلی و رفتار مدرسه ای آنان تأثیر مثبت می گذارد. همچنین در پیشگیری از مشکلات رفتاری فرزندان خود موفق تر عمل می کنند و بر میزان حساسیتها و مسئولیتهای مطلوب خود نسبت به فرزندان می افزایند. این اقدامات از میزان حساسیتهای نامطلوب می کاهد و بلافاصله بر رشد ذهنی کودکان اثر می گذارد و در پی آن انگیزه

1. Epstein & Dauber

2. Peny & Wright

3. Konoly

دانش‌آموزان برای یادگیری افزایش می‌یابد و منظم‌تر در کلاس درس حضور می‌یابند. کاهش ترس و اضطراب در کودکان و پیشرفت تحصیلی بهتر آنها از دیگر نتایج آموزش مادران و در نتیجه رفتار مطلوب آنها با فرزندان است. بر این اساس، ضرورت تشکیل کلاسهای آموزش خانواده حتمی است. این موضوع اساسی نظامهای آموزشی را به تشکیل واحدی به نام انجمن اولیا و مربیان برای اجرا و پیگیری ماموریت فوق ترغیب نموده است.

طراحی، تدوین و اجرای هر برنامه آموزشی برای دستیابی به نتایج و اهداف مورد نظر نیازمند تمهید مقدمات، تدوین محتوای آموزشی مناسب و مفید، تعیین فرایندها و روشهای اجرایی و تبیین سازوکارهای ارزشیابی است. آموزش خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست و الزامات خاص خود را دارد. فرهادی (۱۳۸۳) در مطالعه خود به این نتایج دست یافت که محصولات خوب آموزشی (دانش‌آموزان مطلوب)، نتیجه آموزشهای مستمر و مداوم و استفاده از تجربیات خانه و مدرسه است؛ بنابراین رفع موانع برگزاری کلاسهای آموزش خانواده، سبب برقراری ارتباط بیشتر خانه و مدرسه و شرکت در کلاسهای آموزش خانواده و به تبع آن شناخت مهارتها و روشهای مطلوب می‌شود. آموزش، در تقویت روابط خانوادگی و استحکام خانواده و برخورد با تعارضات خانوادگی بسیار مؤثر است و سبب تغییر و اصلاح نگرش خانواده‌ها در زمینه تعلیم و تربیت فرزندان آنها خواهد شد. شناخت موانع و مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اجرایی و برنامه ریزی برای رفع این موانع سبب حضور مداوم اولیا در کلاسها و رفع محدودیتهای آموزشی از هر دو طرف یعنی اولیای دانش‌آموزان و مجریان طرح آموزش خانواده می‌شود. بررسی مسائل و مشکلات پیش‌آمده در نظام آموزشی ایران به توجه بیشتر آموزش و پرورش نسبت به آگاهی بخشی والدین دانش‌آموزان انجامیده است. هرچند که نتایج پژوهشهای انجام شده در زمینه آموزش خانواده به گونه ای اثربخشی و کارآمدی این آموزشها را در مورد تربیت فرزندان و داشتن خانواده سالم و متعادل تأیید و به توصیف پیامدهای مثبت آموزشها در ارتقای سطح آگاهیهای والدین، افزایش عزت نفس، پیشرفت برنامه‌های تربیتی و تحصیلی، حل مسائل رفتاری والدین نسبت به فرزندان و مواردی از این قبیل اشاره داشته است، اما کم توجهی به مطالب مورد نیاز والدین در برگزاری آموزشهای خانواده و روز آمد نبودن و تکراری بودن برخی مطالبی که مدرسان آموزش خانواده ارائه کرده اند نیز به منزله آسیبهای اساسی این برنامه‌ها عنوان شده اند. تحقیقات حسن بیگلو (۱۳۷۴)، ثابتی (۱۳۷۵)، بوربور (۱۳۷۵)، کلانتری (۱۳۷۶)، فتح آبادی و عمویی (۱۳۸۱)،

موسی زاده (۱۳۸۰)، تبریزی (۱۳۸۲)، کارشناس (۱۳۸۲) و بختیاری (۱۳۹۰) در داخل کشور این آسیبها را تایید نموده اند.

نتایج تحقیقات ثابتی (۱۳۷۵)، قمری مهران (۱۳۷۷)، تقی زاده (۱۳۷۵) و هوشمند (۱۳۸۳)، مبنی بر کاربردی نبودن محتوای کلاسهای آموزش خانواده برای اولیای دانش آموزان و مرتبط نبودن با نیازهای آنها و به تبع آن کاهش استقبال اولیا از شرکت در این کلاسها و همچنین نتایج پژوهش محمدی (۱۳۸۷) درباره ضرورت توجه به نیازهای آموزشی والدین به منظور حضور و استقبال هرچه بیشتر آنها در مدرسه و در کلاسهای پیش بینی شده و پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) وجود رابطه مستقیم میان انجام دادن نیازسنجی و همچنین استفاده از محتوای آموزشی مناسب و میزان موفقیت کلاسهای آموزش خانواده را تایید کرده و تحقیق گروه دین و اندیشه (۱۳۹۲) که توجه به نیازهای آموزشی والدین را به منزله مهم ترین مسئله در آموزش خانواده مطرح کرده اند، همگی با توجه به نیازهای متنوع والدین، انجام دادن نیازسنجی آموزشی در هر منطقه آموزشی و شناسایی اولویتهای آموزشی آنها، قبل از برگزاری دوره های آموزشی را ضروری دانسته اند. آشنایی و آگاهی از نیازهای آموزشی مخاطبان و سپس تدوین محتوا بر اساس آن نیازها، مستلزم انجام نیازسنجی آموزشی از مخاطبان است. به عبارت دیگر نیازسنجی آموزشی، نخستین مرحله از یک فرآیند آموزشی است که می بایست محتوای آموزشی بر اساس نتایج آن تهیه و تنظیم شود.

نیازسنجیهای انجام شده در این زمینه نشانگر ضرورت توجه بیشتر به نیازهای واقعی والدین و تامین نشدن خواسته ها و مسائل مورد نظر آنها در این کلاسها است. نتیجه پژوهش نبوی (۱۳۸۴) حاکی از آن است که آموزش مدیریت خانواده و روشهای اداره آن، اعتیاد و آسیبهای آن، خانواده متعادل، شناخت رفتارهای ناهنجار نوجوان و چگونگی برخورد با آنها، آسیبهای اجتماعی در دوره نوجوانی و شیوه های مقابله با آنها، آموزش مهارت های اجتماعی به نوجوان، روشهای دوستیابی و چگونگی برخورد با جنس مخالف، آشنایی با کتابهای مناسب نوجوانان، از جمله نیازهای والدین است که مورد توجه واقع نشده اند. وی همچنین تأکید دارد که منطبق بودن محتوای آموزش خانواده با نیاز والدین، از نظر سه گروه مدیران، مدرسان و اولیا هماهنگ نبوده است و اولیا به عنوان مخاطبان اصلی این آموزشها، با همخوانی محتوای دوره های برگزار شده با نیازهای واقعی والدین، کمتر موافق هستند. در مطالعه احمدی و نصری (۱۳۸۵) مهم ترین مشکلات افراد، مشکلات خانوادگی، مشکلات ارتباطی، ناسازگاری با خواهر و برادر، سوء رفتار با بزرگسالان، مشکلات ارتباطی با همسر، عدم علاقه زوجین به یکدیگر، عدم توافق در تربیت فرزندان، مشکلات شغلی و

اقتصادی، روابط با فرزندان و توقعات بالای والدین از فرزندان مطرح شده است. نورالدینی (۱۳۹۰) در پژوهش خود، مهمترین اهداف کلاسهای آموزش خانواده از سوی والدین را به ترتیب، آشنایی با مباحث روان شناسی رشد، آشنایی با مباحث تربیت جنسی، آشنایی با مشکلات تحصیلی و ارتباط موثر خانه و مدرسه بر شمرده است. شاهمرادی (۱۳۷۶) در تحقیق خود نشان داد که تدریس مدرسان باید متأثر از نیاز همان گروه شرکت کننده در کلاسها باشد. در ضمن محتوای کتابهای آموزش خانواده باید به نحوی اصلاح شوند که پاسخگوی درخواستهای اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها باشد.

حکیم زاده و همکارانش (۱۳۹۳) در تحقیقات به عمل آمده به این نتیجه رسیدند که نیازهای اخلاقی- مذهبی مهم‌ترین نیاز آموزشی اولیا در برنامه‌های آموزش خانواده بوده و نیازهای اجتماعی- فرهنگی، روان‌شناختی- تحصیلی فرزندان، مسائل نوپدید و مسائل جسمی- بهداشتی به ترتیب در اولویت بعدی قرار دارند. درودی (۱۳۸۳) در پژوهش خود ساختارمند نبودن آموزش خانواده و فقدان نیازسنجی آموزشی به منظور تبیین نیازهای ویژه پدران و مادران را آسیب اساسی در آموزش خانواده می‌داند. در مطالعه محسنی طارم‌سری (۱۳۸۸) والدین محتوای آموزشی در زمینه موضوعاتی مانند مسائل عاطفی-اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی، نحوه اصلاح رفتار فرزندان، پیشگیری از آسیبهای روانی کودکان و نوجوانان و چگونگی افزایش رغبت افراد را به عنوان اولویت اعلام نموده اند.

با توجه به آسیبهای موجود در برگزاری کلاسهای آموزش خانواده مانند کاهش استقبال والدین از حضور در این کلاسها و همچنین عدم رضایت بعضی از والدین از محتوای ارائه شده در کلاسها و کاربردی نبودن مباحث، و به منظور افزایش حضور والدین در کلاسهای آموزشی، انجام نیازسنجی آموزشی و تعیین اولویتهای مورد نظر مخاطبان ضروری است. بر اساس شواهد موجود، این پژوهش کوششی در پاسخ به سؤال زیر است: نیازهای آموزشی اولیای دانش آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهری کدام‌اند؟

اهداف پژوهش

الف) هدف کلی

تعیین نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهری در سال

۱۳۹۳

ب) اهداف ویژه

۱. بررسی وضعیت آشنایی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان
۲. بررسی وضعیت آشنایی والدین با مسائل تربیتی و روان شناسی فرزندان
۳. بررسی وضعیت آشنایی والدین با مسائل مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی فرزندان
۴. بررسی وضعیت آشنایی والدین با تربیت جنسی و ازدواج فرزندان از نظر دانش آموزان
۵. بررسی وضعیت شناخت والدین نسبت به مسائل بهداشتی و تغذیه ای فرزندان

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش از نوع پیمایشی است و پژوهشگر قصد داشته آنچه را موجود است بدون دخل و تصرف و دستکاری از دیدگاه والدین مورد مطالعه قرار دهد.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری شامل کلیه والدین دانش آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهرری که در سال ۱۳۹۳ در کلاسهای آموزش خانواده شرکت کرده‌اند، می‌باشد. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، تعداد ۴۲۰ نفر مشخص و با روش نمونه گیری طبقه ای، به نسبت واقعی انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ای دارای ۵۰ سوال پنج گزینه ای در ۵ خرده مقیاس: ۱. مشکلات رفتاری فرزندان، ۲. مسائل تربیتی و روان شناسی، ۳. تربیت جنسی و ازدواج، ۴. مسائل مشاوره ای و راهنمایی تحصیلی و شغلی و ۵. مسائل بهداشتی و تغذیه ای فرزندان گردآوری شده است.

تعیین روایی محتوایی پرسشنامه: ابتدا اهداف و سؤالات پژوهش به شماری از اساتید صاحب نظر در این زمینه داده شد تا درباره محتوای سؤالات پرسشنامه اظهار نظر کنند. آنگاه پرسشنامه بر اساس نظرات آنان اصلاح و برای اجرا روی نمونه آماری مورد استفاده قرار گرفت.

محاسبه ضریب پایایی: ابتدا ۷۰ نفر از آزمودنیها به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه روی آنها اجرا شد و با روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی $0/85$ تعیین شد که بیانگر آن است که پرسشنامه از ضریب پایایی بالا و قابل قبولی برخوردار است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) و برای آزمون سؤالات پژوهش از آزمون نسبت و کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بررسی سوال اول پژوهش: میزان آگاهی والدین نسبت به مشکلات رفتاری فرزندان خود چگونه است؟

جدول شماره ۱. آزمون کلموگراف-اسمیرنوف در زمینه میزان آگاهی والدین از مشکلات رفتاری فرزندان

نوع نیاز	میزان	زیاد	متوسط	ضعیف	جمع	مقدار Z کلموگراف-اسمیرنوف	سطح معنادار بودن
آموزش مشکلات رفتاری	۴۷	٪۱۱/۲	٪۴۳/۱	٪۴۵/۷	۴۲۰	۵/۹۹۲	$P < / .001$

همان طور که ملاحظه می‌شود، میان میزان آگاهی والدین نسبت به مشکلات رفتاری فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان آگاهی ۴۵/۷ درصد آنان پایین تر از حد متوسط است.

بررسی سوال دوم تحقیق: میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل تربیتی و روان شناسی فرزندان خود چگونه است؟

جدول شماره ۲. آزمون کلموگراف-اسمیرنوف در زمینه میزان آگاهی والدین از مسائل تربیتی و روان شناسی فرزندان

نوع نیاز	میزان	زیاد	متوسط	ضعیف	جمع	مقدار Z کلموگراف-اسمیرنوف	سطح معنادار بودن
مسائل تربیتی و روانشناسی	۵۴	٪۱۲/۹	٪۲۵/۲	٪۶۱/۹	۴۲۰	۷/۸۲۱	$P < / .001$

همان طور که ملاحظه می‌شود، بین میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل تربیتی و روان شناسی فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان آگاهی ۶۱/۹ درصد والدین در سطح پایین تر از حد متوسط است.

بررسی سوال سوم پژوهش: میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی فرزندان خود چگونه است؟

جدول شماره ۳. آزمون کلموگراف-اسمیرنوف در زمینه میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل مشاوره و راهنمایی تحصیلی و

شغلی فرزندان

نوع نیاز	میزان	زیاد	متوسط	ضعیف	جمع	مقدار Z کلموگراف-اسمیرنوف	سطح معنادار بودن
مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی	۲۶۰	٪۶۱/۹	٪۱۹/۸	٪۱۸/۳	۴۲۰	۷/۸۵۶	$P < / .001$

همان طور که ملاحظه می‌شود، میان میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان آگاهی ۶۱/۹ درصد از آنان در حد زیاد است. بنابراین، نیاز آموزشی والدین در این زمینه در حد بالا اعلام شده است.

بررسی سوال چهارم پژوهش: میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل تربیت جنسی و ازدواج فرزندان خود چگونه است؟

جدول شماره ۴. آزمون کلموگراف-اسمیرنوف در زمینه میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل جنسی و ازدواج فرزندان

میزان / نوع نیاز	زیاد	متوسط	ضعیف	جمع	مقدار Z کلموگراف-اسمیرنوف	سطح معنادار بودن
تربیت جنسی و ازدواج	۲۹۳ / ۶۹/۷٪	۱۰۰ / ۲۳/۸٪	۲۷ / ۶/۴٪	۴۲۰ / ۱۰۰٪	۸,۷۴۳	P<./۰۰۱

همان طور که ملاحظه می‌شود، میان میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل تربیت جنسی و ازدواج فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان آگاهی ۶۹/۷ درصد والدین در حد زیاد است.

بررسی سوال پنجم پژوهش: میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل بهداشتی و تغذیه ای فرزندان خود چگونه است؟

جدول شماره ۵. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف مربوط به میزان آشنایی والدین نسبت به مسائل بهداشتی و تغذیه ای فرزندان

میزان / نوع نیاز	زیاد	متوسط	ضعیف	جمع	مقدار Z کلموگروف-اسمیرنوف	سطح معنادار بودن
مسائل بهداشتی و تغذیه ای	۱۶۴ / ۳۹/۱٪	۲۰۰ / ۴۷/۶٪	۵۶ / ۱۳/۳٪	۴۲۰ / ۱۰۰٪	۵,۲۷۵	P<./۰۰۱

همان طور که ملاحظه می‌شود، میان میزان آگاهی والدین نسبت به مسائل بهداشتی و تغذیه ای فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد. به این معنا که میزان آگاهی ۸۶/۷ درصد والدین در حد متوسط و بالاتر از متوسط است.

جدول شماره ۶. خلاصه وضعیت اعلام نیازهای آموزشی والدین

ردیف	عنوان	ضعیف	متوسط	عالی
۱	شناخت نسبت به مشکلات رفتاری فرزندان	۴۵/۷	۴۳/۱	۱۱/۲
۲	آشنایی با مسائل تربیتی و روان شناسی فرزندان	۶۱/۹	۲۵/۲	۱۲/۹
۳	آشنایی با مسائل مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی	۱۸/۳	۱۹/۸	۶۱/۹
۴	آشنایی با مسائل تربیت جنسی و ازدواج فرزندان	۶/۴	۲۳/۸	۶۹/۷
۵	شناخت نسبت به مسائل بهداشتی و تغذیه ای فرزندان	۱۳ / ۳٪	۴۷ / ۶٪	۳۹/۱

درصد‌های ارائه شده در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، میان نیاز آموزشی والدین در زمینه‌های پنجگانه مذکور تفاوت وجود دارد. به منظور مشخص کردن معنادار بودن تفاوت مشاهده شده میان نیازها و همچنین اولویت بندی کردن آموزشهای مورد نیاز والدین، از آزمون ناپارامتریک نسبت استفاده شد که شاخصهای آن در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون نسبت برای مقایسه نیازهای آموزشی پنجگانه والدین

نوع نیاز نوع نیاز	مشکلات رفتاری	مسائل تربیتی و روان شناسی	مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی	تربیت جنسی و ازدواج	مسائل بهداشتی و تغذیه‌ای
مشکلات رفتاری	////////////////	$p < / .001$	$p < / .001$	$p < / .001$	$p < / .001$
مسائل تربیتی و روان شناسی	////////////////	////////////////	$p < / .001$	$p < / .001$	$p < / .001$
مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی	////////////////	////////////////	////////////////	$p < / .001$	$p > / .05$
تربیت جنسی و ازدواج	////////////////	////////////////	////////////////	////////////////	$p < / .001$
مسائل بهداشتی و تغذیه‌ای	////////////////	////////////////	////////////////	////////////////	////////////////

همان طور که ملاحظه می‌شود، مقایسه تفاوت تمامی نسبتها (به جز نیاز شماره سه و پنج) معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت اگر در نظر است به آموزش والدین در زمینه مسائل مربوط به فرزندان آنها اقدام شود باید به ترتیب اولویت به آموزش مسائل تربیتی و روانشناسی، مشکلات رفتاری، مسائل راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی، مسائل مربوط به تربیت جنسی و ازدواج فرزندان و مسائل بهداشتی و تغذیه ای پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت مسئله ای اساسی برای جوامع گوناگون است. تربیت افراد هر جامعه محصول تعامل نهادهای گوناگون به‌ویژه نهاد رسمی تربیت (مدرسه) و خانواده است. به عبارت دیگر دستیابی به اهداف مورد نظر در نظام تعلیم و تربیت مستلزم مشارکت و همراهی خانواده و مدرسه است. نقش خانواده در تربیت فرزندان بی نظیر است و قابل جایگزینی نیست. رسالت این جایگاه بدون آگاهی و بینش بالای متولیان آن به انجام نخواهد رسید، لذا والدین برای انجام دادن مسئولیت خطیر تربیت فرزندان خود نیاز به آماده‌سازی و آموزش دارند که استقرار و تشکیل واحدی به نام «انجمن اولیا و مربیان» در نظامهای آموزشی به همین منظور بوده است. همچنین مثرثمر بودن این گونه آموزشها به دلیل غیر رسمی بودن و داشتن مخاطبان خاص با شرایط ویژه، مستلزم رعایت

شرایط و استلزامات خاص خود است. انتخاب سرفصلهای آموزشی مناسب و مرتبط بودن محتوای آموزشی در نظر گرفته شده برای این کلاسها با نیازهای واقعی والدین، زمان و مکان مناسب برگزاری این دوره‌ها، روز آمد بودن و جدید بودن مطالب ارائه شده، و مواردی از این قبیل در کیفیت بخشی به آموزشها و ایجاد انگیزه در مخاطبان برای حضور در این کلاسها مؤثرند.

منطبق بودن سرفصلها و محتواهای آموزشی با نیازهای واقعی مخاطبان از اساسی‌ترین مؤلفه‌های این موضوع است که مستلزم انجام دادن نیازسنجی آموزشی از والدین است. نتایج این پژوهش مؤید آن است که نخستین نیاز آموزشی مطرح شده از سوی والدین، آموزش «مسائل تربیتی و روان‌شناسی» درباره فرزندان بوده است. این موضوع با نتیجه مطالعه نورالدینی (۱۳۹۰) که مهمترین نیاز آموزشی خانواده‌ها را «آشنایی والدین با مسائل روان‌شناسی» مطرح کرده است و صحرانورد (۱۳۹۰) و آموزش و پرورش ناحیه یک یزد (۱۳۹۳) همخوانی دارد. این نیاز آموزشی در پژوهش حکیم‌زاده و همکارانش به عنوان سومین اولویت آموزشی مطرح شده است.

دومین نیاز آموزشی مطرح شده از سوی اولیای دانش‌آموزان، «آموزش در زمینه مشکلات رفتاری فرزندان» آنهاست، این موضوع در پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) نیز به عنوان نخستین نیاز آموزشی مطرح شده است. ضمن اینکه نتایج این مطالعه که نیاز به آموزش درباره «مسائل تربیتی و روان‌شناسی» و «مشکلات رفتاری فرزندان» در اولویت یک و دو مطرح شده است با نتیجه پژوهش احمدی و نصری (۱۳۸۵) نیز همخوانی دارد.

سومین نیاز آموزش مطرح شده از سوی والدین «مسائل تحصیلی و شغلی فرزندان» است که با پژوهش احمدی و نصری (۱۳۸۵)، نورالدینی (۱۳۹۰) و عصاره (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

آموزش «مسائل مربوط به تربیت جنسی و ازدواج فرزندان» در این مطالعه به عنوان چهارمین نیاز آموزشی عنوان شده است. این یافته با نتایج آموزش و پرورش ناحیه یک یزد (۱۳۹۳) و صحرانورد (۱۳۹۰) مطابقت دارد.

پنجمین اولویت آموزشی مطرح شده از سوی والدین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهری، آموزش «مسائل بهداشتی و جسمی» فرزندان است که اکثر آنها دانش خود را در این زمینه متوسط به بالا اعلام نموده‌اند. این نتیجه با اولویتهای آموزشی آموزش و پرورش ناحیه یک یزد (۱۳۹۳) و حکیم‌زاده و همکارانش (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

در مجموع نتایج این پژوهش حاکی از آن است که به نیازهای آموزشی فوق در سایر پژوهشها نیز اشاره و مورد نظر والدین بوده است و اولویت آموزشی والدین هر استان و منطقه آموزشی

متفاوت از استان و مناطق دیگر بوده است. بنابراین لازمه برگزاری هر دوره آموزشی برای اولیای دانش آموزان هر منطقه آموزشی، انجام دادن نیازسنجی آموزشی از آنها، قبل از تشکیل کلاسهای آموزش خانواده است.

پیشنهادهای کاربردی

- سرفصلها و محتوای آموزشی کلاسهای آموزش خانواده برای والدین هر استان یا منطقه آموزشی مطابق با نیازهای اعلام شده از سوی آنها و بر اساس نتایج نیازسنجی آموزشی تهیه و تنظیم گردد. این امر در منطقه شهری نیز صادق است و ضروری است در برگزاری دوره-های آموزشی به این اولویتها توجه شود.
- ارزشیابی و دریافت بازخورد از والدین شرکت کننده در کلاسهای آموزش خانواده به منظور برنامه ریزی و تصمیم گیری برای دورههای آینده ضروری است.

منابع

- آموزش و پرورش ناحیه یک یزد (۱۳۹۳). عناوین و سرفصل های آموزش خانواده دوره متوسطه. انجمن اولیا و مربیان (<http://yazdn1.ir/c/portal>)
- احمدی، جمشید و نصری، صادق. (۱۳۸۵). شناخت و اولویت یابی مشکلات خانواده های ایرانی از سال ۸۴-۱۳۸۰ و *ارایه راهکارها*. پژوهشکده اولیا و مربیان (خانواده). (<http://rie.ir>)
- اقدسی، علی نقی؛ فرید، ابوالفضل و بایرام زاده، حمیرا. (۱۳۹۲). آسیب شناسی آموزش خانواده در آموزش و پرورش شهرستان ماکو از دیدگاه اولیا دانش آموزان در سال ۱۳۹۰. *زن و مطالعات خانواده*، سال چهارم، زمستان، ۴۳-۶۴.
- امجدیان، کیومرث. (۱۳۸۴). چرا آموزش خانواده مهم و ضروری است. *مجله پیوند*، شماره ۳۱۳، ۱۶-۲۳.
- انجمن اولیا و مربیان (۱۳۷۷). *دستورالعمل جامع آموزش خانواده*. دفتر مرکزی انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- بختیاری، ابوالفضل و پیرزاد، علی اکبر. (۱۳۹۰). مطالعه کارآمدی کلاسهای آموزش خانواده از دیدگاه والدین، *فصلنامه خانواده*، شماره ۱، ۲، ۱۲۱-۱۵۶.
- بوربور، جواد. (۱۳۷۵). *تأثیر آموزش والدین بر تغییر رفتار آنان نسبت به فرزندان در منطقه هوایی شهید بابایی ناحیه یک شهرری*. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- تبریزی، غلامرضا. (۱۳۸۲). *بررسی نقش کلاسهای آموزش خانواده در تغییر رفتار والدین و حل مسائل تربیتی، فرهنگی و تحصیلی دانش آموزان*. طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان خراسان.
- تقی زاده بیرامی، غفور. (۱۳۷۵). *خط مشی تغییر در آموزش خانواده ها*. پیوند، شماره ۵۴، ۵۹-۵۹.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۴). *نظریه های جامعه شناسی*. تهران: سمت.
- ثابتی، حسن. (۱۳۷۵). *بررسی نگرش اولیای دانش آموزان درباره عوامل مؤثر در جذب آنها به کلاسهای آموزش خانواده در شهر یزد*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- حسن بیگلر، بهروز. (۱۳۷۴). *بررسی میزان موفقیت و تأثیر کلاسهای آموزش خانواده در افزایش اطلاعات و آگاهی های شرکت کنندگان در شهر تهران*. طرح پژوهشی مصوب شورای تحقیقات آموزش و پرورش تهران.
- حسینی حیدری، میراسداله؛ باقری، نسرین و تابع جماعت، محمدرضا. (۱۳۸۵). *نگرش والدین درباره کلاسهای آموزش خانواده*. *فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دوره اول، شماره چهارم، ۷۲-۵۵.
- حکیم زاده، رضوان؛ میرزا بیگی، محمدعلی و رسولی سقایی، مقصود. (۱۳۹۳). *نیازسنجی آموزشی برنامه های آموزش خانواده برای اولیا دانش آموزان ناحیه یک تبریز*. *مجله آموزش و ارزشیابی*، دوره ۷، شماره مسلسل ۲۶، ۷-۲۴.
- درودی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). *آسیب شناسی خانواده های شهر مشهد و مقایسه شیوه های آموزش خانواده*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشکده خانواده وزارت آموزش و پرورش.
- ردینگ، سام. (۱۹۹۱) *والدین و یادگیری (مجموعه رویه های آموزشی ۲)*. تهران: دفتر همکاریهای علمی بین-المللی، ۱۳۸۰.

شاهمردادی، نامدار. (۱۳۷۶). راه های بهبود کلاسهای آموزش خانواده از دیدگاه مدرسان شهر تهران و رابطه آن با جنسیت، سابقه تدریس، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی مدرسان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

صادقی، عباس و حمیدی، حسن. (۱۳۸۴). نوجوانی و پدیده بزهکاری. پیوند، شماره ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۱۱ و ۳۱۲، تابستان، ۷۴-۸۳. صحرانورد، حسن. (۱۳۹۰). اهداف و سرفصل های آموزش خانواده در مقاطع مختلف تحصیلی. خبرنامه، خراسان شمالی، اداره کل آموزش و پرورش استان. چهارشنبه ۱۳/۰۷/۱۳۹۰، شماره انتشار ۱۷۹۴۹.

عصاره، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی نیازهای آموزشی و تربیتی والدین دانش آموزان ابتدایی کشور در حوزه فرهنگ های مختلف. مرکز تحقیقات زن و خانواده، پژوهش چاپ نشده. کد ۱۴۷۵۱.

فتح آبادی، جلیل و عمویی، رضا. (۱۳۸۱). بررسی عملکرد کلاسهای آموزش خانواده از نظر والدین و مدیران مدارس شهرستانهای استان تهران. طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران. فرهادی، یداله. (۱۳۸۳). بررسی موانع و مشکلات کلاسهای خانواده و راههای توسعه و بهسازی آن در استان لرستان. تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

قمری مهران، علی اشرف. (۱۳۷۷). بررسی نظرات اولیا، مدیران و مدرسین پیرامون علل گرایش و عدم گرایش اولیا نسبت به آموزش خانواده همدان. طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش همدان. کارشناس، احمد. (۱۳۸۲). بررسی میزان تحقق اهداف آموزش خانواده از دیدگاه مدیران، مدرسین و اولیای دانش آموزان شهرستان نجف آباد در سال تحصیلی ۸۱-۸۰. طرح پژوهشی با حمایت شورای تحقیقات آموزش و پرورش نجف آباد.

کلاتری، مهرداد. (۱۳۷۲). بهداشت روانی کودک و خانواده. اداره آموزش و پرورش ناحیه یک شهری: عروج. گروه دین و اندیشه (۱۳۹۲). نیازهای آموزشی خانواده ها چیست؟. گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر، ۲۳ فروردین. محسنی طارمسری، مریم. (۱۳۸۸). بررسی شیوه های ترغیب والدین جهت شرکت در کلاسهای آموزش خانواده. طرح پژوهشی (مرکز تربیت معلم بنت الهدی صدر)، سازمان آموزش و پرورش استان گلستان.

محمدی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی میزان اثربخشی برنامه های آموزش خانواده بر والدین دانش آموزان شهر ملکان در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی.

موسی زاده، توکل. (۱۳۸۰). بررسی میزان اثربخشی کلاسهای آموزش خانواده. طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش اردبیل.

نبوی، صادق. (۱۳۸۴). نیازسنجی آموزشی اولیای دانش آموزان جهت آموزش خانواده در مدارس. مجله خانواده و پژوهش، پاییز، شماره ۳، ۹۷-۱۱۶.

نورالدینی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت شرکت اولیا برای حضور در کلاسهای آموزش خانواده شهرستان زرنده کرمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی. والبرگ، هربرت جی و پیک، سوزان جی. (۱۹۹۷). رویه های مؤثر آموزشی (مجموعه رویه های آموزشی ۳). تهران: دفتر همکاریهای علمی بین المللی، ۱۳۷۹.

هوشمند، مهرداد. (۱۳۸۳). بررسی عوامل عدم استقبال اولیای دانش آموزان متوسطه از کلاسهای آموزش خانواده در شهرستان نهاوند. طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان همدان.